

فرهنگ ویژه هنر و رسانه

بازمانده

در گفت‌وگوی «جام‌جم» با امیرعباس ربیعی، کارگردان و محمدرضا شفیعی، تهیه‌کننده فیلم «ضد» عنوان شد

شبکه نفوذ همچنان فعال است

صفحه ۸



چرا رژیم اشغالگر، از انهدام آثار تاریخی و هویتی فلسطین دست برنمی‌دارد؟

از سفارش به مغول تا تخریب مستقیم

۱۱



گفت‌وگوی «جام‌جم» با تهیه‌کننده و راوی قصه‌های «یکی بود یکی نبود»

جادوی قصه‌های کهن ایرانی

۶



«جام‌جم» آخرین پیشرفت‌های ساخت سریال «سلمان فارسی» را در گفت‌وگو با تهیه‌کننده بررسی کرده‌است

ستاره‌های سلمان در کویر سمنان

۷

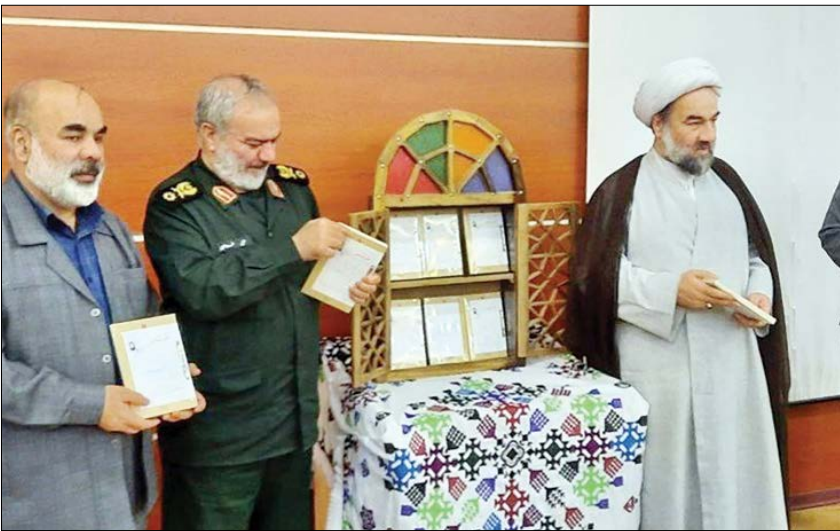
رویداد

تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی رونمایی شد

خاطرات دوران تبعید رهبر انقلاب در «آقای ایران‌شهر»

خیلی ضعیف دیده شده، اینجا مطرح شده است چون براساس رویکردی که داشتیم، بعضی منابع را جدی‌تر دیدیم و به همین دلیل تفاوت ماهوی با آثاری که قبلاً کار شده است، دارد. وی درباره محتوای کتاب توضیح داد: ما فردی را داریم نشان می‌دهیم که پیش از آن‌که شهرتی داشته باشد، پیش از آن‌که مسئولیت داشته باشد، یک خصلتی در وجودش است و این خصلت راهگشای بسیاری از بن‌بست‌ها و حلال بسیاری از مشکلات است. این خصلت وقتی در جایی قرار می‌گیرد که همه از نشدن‌ها حرف می‌زنند. این خصلت نشان می‌دهد که شدنی است و گره‌های کور را می‌شود باز کرد. به همین دلیل خیلی زود انس و الفتی با مردم برقرار می‌شود و مردم با آن فطرت پاکی که دارند با ذوق و اشتیاق، ایشان را به آقایی می‌پذیرند و این عنوان و این عبارت را خودشان به کار می‌برند، یعنی کسانی که در واقع با عملکرد مواجه هستند نه با حرف و شعار.

وی در ادامه افزود: از آن لحظه‌ای که ایشان با در ایران‌شهر می‌گذرانند با این نگاه وارد می‌شوند که چگونه به این مردم خدمت بکنم، چگونه دستگیری بکنم، چگونه گرهی را باز بکنم. بعد گویا این حادثه سیل ایران‌شهر هم این را به اوج خودش می‌رساند؛ یعنی در شرایطی که بحران به حدی رسیده که لاینحل جلوه می‌کند و رژیم طاغوت که همه پست‌ها، امکانات، موقعیت‌ها و... در اختیارش است هیچ کاری نمی‌تواند بکند و فقط تماشاجی و دست روی دست می‌گذارد، یک تبعیدی که غریب هم است با دست خالی این گره کور را خیلی زیبا و آسان باز می‌کند و این آقایی به اوج خودش می‌رسد به گونه‌ای که ساواک احساس خطر می‌کند از وجود چنین شخصیتی در ایران‌شهر. چرا؟ چون مردم یک اقبال و اشتیاق عجیبی به این شخصیت نشان می‌دهند و این اقبال نزدیک‌است که تبدیل به یک انقلابی در ایران‌شهر شود.



شاهدان جمع آوری شده بود. دنبال نویسنده‌ای می‌گشت که این اطلاعات را بنویسد و به من پیشنهاد داد و چون غالباً خودم تحقیق میدانی انجام می‌دهم که بتوانم حق مطلب را ادا کنم علاوه بر این پرونده محتوایی، تمام کتبی که در این رابطه به چاپ رسیده بود؛ مثل خون دلی که لعل شد، بر تبعید، شرح اسم و... را بررسی کردم و بعد هم خودم برای دیدن مکان، راپوان و مصاحبه با آنها سفرهایی را به منطقه داشتم. اینها انجام گرفت و این کتاب تألیف شد.

در این کتاب با افرادی مصاحبه شده، مطالبی که در کتب قبلی نبوده در این کتاب آمده است؛ علاوه بر این که گونه ادبی این کتاب هم متفاوت است. خیلی از مطالبی که در آن کتب یادیده نشده یا

اشیعان) مسجد آل رسول علیهم السلام را داشتند، آنها مساجد متعددی داشتند.»

این کتاب با ۲۵۶ صفحه، شمارگان ۲۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۶۵ هزار تومان منتشر شده است.

خدمت به مردم در دوران تبعید

رحیم مخدومی، نویسنده کتاب با بیان این که پیشتر سید مهدی حسینی، خاطرات مربوط به تبعید رهبر انقلاب به ایران‌شهر را مفصل جمع‌آوری و با تعداد زیادی از افراد مصاحبه کرده بود، گفت: وی چند سفر به سیستان و بلوچستان و جاهای مختلف داشتند و در واقع یک پرونده مفصل و قطوری از روایات

مراسم رونمایی از تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با عنوان آقای ایران‌شهر دیروز در شهرستان ایران‌شهر برگزار شد.

کتاب «آقای ایران‌شهر»، روایتی از خاطرات حضور رهبر معظم انقلاب در دوران تبعید به ایران‌شهر است که این کتاب به قلم رحیم مخدومی به زور طبع آورسته شده است.

مراسم رونمایی از این کتاب در چهاردهمین همایش خورشید ولایت و در سالن همایش‌های شهید سلیمانی دانشگاه ولایت شهرستان ایران‌شهر با فراغت یادداشتی از رهبر معظم انقلاب رونمایی شد.

متن این یادداشت به این شرح است:

بسمه تعالی

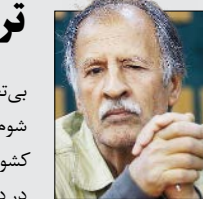
«نگارش و تخیل آقای مخدومی، جذاب و دامنه‌دار است. طبق معمول درباره این حقیر مبالغه و بزرگمایی شده است. خاطره انس با مردم مهربان ایران‌شهر برای من فراموش‌شدنی نیست ولی این کتاب آن را برجسته‌تر کرد، گرچه بخش‌های زیاد و شاید بیشتر رویدادهای آن دوران ناکفته مانده است.»

دی ماه ۱۴۰۲

کتاب آقای ایران‌شهر به تازگی در گروه آثار زمستان ۱۴۰۲ وارد بازار نشر شده است.

روایت‌های آقای ایران‌شهر در ۲۸ فصل گردآوری شده که به این ترتیب است: آغاز سفر تحقیقی به ایران‌شهر، حکایت چهار واحد مسکونی که تداعی‌گر پنجره است، دستگیری علمای انقلابی توسط ساواک، ترور فعالان انقلابی توسط گروهک‌ها، اولین دستگیری در بیرجند، خاطرات همسر آقا از هجوم ساواک به منزل، بازداشت در ساواک مشهد، انتقال به زندان مرمری مشهد، تبعید به ایران‌شهر، مشهد تا یزد، قهوه‌خانه باغ آسیا، یزد، خت تا زاهدان، تلگراف به علما، اجاره منزل در ایران‌شهر، حکایت‌ها، مرز سردار، زاهدان تا ایران‌شهر، حضور در مسجد آل رسول علیهم السلام، سرکشی، دلجویی و کمک، ارتباط با علمای اهل تسنن، آشنایی با جوان انقلابی، ملاقات (شهید) عبدالحسین برونسی، برنامه‌های کاری تبعید، ممانعت از ادامه فعالیت‌ها، منطقه سرسبز ریکه پوت، انس و ارادت، تبعیدگاه جدید، محکوم کردن سرکوب‌تظاهرات مردم یزد، تبعید علی‌خلخال به ایران‌شهر، سفر به اطراف ایران‌شهر، نامه به بانوی انقلابی فاطمه فکور یحیایی، مدیریت بحران، تشکیل ستاد جهادی، پایانی موفقیت‌آمیز، تبعید به جیرفت، خواب راحت، احیا، مسجد جامع جیرفت، سیاست‌گذاری آقای ایران‌شهر از مردم ایران‌شهر.

رهبر انقلاب درباره دوران تبعید خود پیشتر گفته بودند: «بندۀ وقتی در آنجا تبعید بودم، تقریباً کمتر از نصف مردم ایران‌شهر سنی بودند، بیشتر از نصف هم شیعه بودند. اینها با همدیگر زندگی می‌کردند، با همدیگر معامله می‌کردند، مساجد داشتند، اینها



توروریسم؛ پشت و روی پرده سینما!

بی‌تعارف باید تأکید کرد سینمای ایران در پرداخت به موضوع شوم ترور و تروریسم کم‌کاری جدی کرده است. حوادث تروریستی کشور همانند بسیاری از ممالک دنیا، عمری طولانی دارد اما در دوره نوین سیاسی، شدت و حدت و تعدد آن افزایش قابل توجهی داشته است. همانند برخی دیگر کشورهای به‌باخاسته برای استقلال، ایران نیز از بدو استقرار سیستم سیاسی جدید در معرض انواع ترورهای طراحی شده از سوی دشمنان قرار گرفت به‌طوری که با فهرست ۱۷ هزار ترور پس از انقلاب، بزرگ‌ترین قربانی تروریسم نام گرفت اما سینمای ایران با داشتن رتبه خوب تولید، نتوانسته از این دستمایه استفاده و درام‌های قابل‌قبولی خلق کند. اگر موضوع ترور را در سینما مورد بررسی قرار دهیم به نتیجه قابل‌انتقادی دست پیدا می‌کنیم. از نظر کمی چیزی بیشتر از انگشتان دودست فیلم با موضوع ترور ساخته نشده است. یعنی در سینمای نوین که تقریباً با برپایی ساختار جدید سیاسی راه‌اندازی شد و (و نیز با سوژه ترور و تروریسم) هم‌راهِ انقلاب است به میانگین تولید هر چهار سال یک فیلم برمی‌خوریم؛ آماری تقریباً نزدیک صفر! (البته کیفیت این آثار بحث دیگری می‌طلبد) و این کمیت در حالی است که بیشتر از ۸۰ درصد آثار داستانی بلند از سوی دولت یا نهادها و ارگان‌های با بودجه عمومی به سرانجام رسیده است اما سینمای غالب جهان، خصوصاً هالیوود در زمینه ساخت و پرداخت درام‌ها و تریلرهای با موضوع تروریسم، دست‌پری دارد. جذابیت و کشش فیلم‌های مهیج و جنایی -معمالایی نزد تماشاگران انبوه غیرقابل انکار است، بنابراین سینمای دنیا و مثلاً هالیوود را ترغیب می‌کند تا از این موضوع نهایت بهره را ببرد و نیز اهمیت چنین سوژه‌هایی به لحاظ استراتژیک، رویکردی در خدمت پشت‌صحنه سرمایه‌گذاری و حمایت از این قبیل آثار را رقم می‌زند. هالیوود خوب می‌داند فیلم‌هایی در قالب ترور به دلیل تجربه‌سازی و عینیت‌بخشی آن برای مخاطب روی پرده، عامل کاهش جذابیت در واقعیت می‌شود، از سوی دیگر چون در دل قصه‌ها و داستان پردازی، ترور و تروریسم را برخلاف واقعیت به دشمنان جدی یا واهی آمریکانسیبت می‌دهند، طبعاً در راستای سیاست‌های خارجی این کشور عمل می‌کنند و برای همین سینمای این کشورها در زمینه تروریسم تجربه و سابقه‌ای طولانی داشته و دارد به‌طوری که هر ساله تعداد بی‌شماری تریلرهای سینمایی و تلویزیونی مرتبط ساخته می‌شود. این گونه سینمایی از دوران صامت و فیلم‌های ناطق کلاسیک همواره طرفداران جدی داشته است. مثلاً هیچکاک از این موضوع غافل نشد تا سال‌های جنگ سرد که تولید فیلم‌های ضد جاسوسی و تروریستی همه‌گیر شد. در نظر بگیری فقط چند فیلم و سریال در باره ترور ابراهام لینکلن یا جان اف. کندی ساخته شده است. یا برای مثال می‌توان از «کاندیدای منچوری» یا «صد روز در پالمو» و «قتل در ساعات خوش» نام برد یا فیلم‌هایی مانند «مونینخ»، «روز شغال» و... یا فیلم‌های روز جهان مانند «ماموریت غیرممکن» ها و حتی «قاتلان ماه کامل» ساخته اسکورسیزی از جمله آثاری است که در جهان مطرح شده و در کشور ما هم وارد چرخه نمایش‌های خصوصی و عمومی شده لذا درباره آنها اطلاعات مفصلی وجود دارد. ضمن این‌که بی‌شمار تریلرهایی ساخته می‌شود که چون در زمره فیلم‌های درجه یک نیست یا فضای آنها مناسب نمایش ایران نیست، اینجا مورد اِهتمام قرار نمی‌گیرد. همچنین اگر فیلم‌هایی که مستقیماً ایران را در کانون قصه قرار داده است و تحت عنوان آثار ضد ایرانی شناخته می‌شود (که پشت‌صحنه و مقابل دوربین آنها را جمعی از ایرانیان مهاجر تشکیل داده‌اند) در اینجا لحاظ کنیم به انبوهی دیگر از فیلم‌های با موضوع تروریسم می‌رسیم. این گرایش فیلمسازی که روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود از «سنگسار ثریا» شروع شد و فعلاً به فیلم ضعیف و بسیار سطحی «کافر» ساخته سیروس نورسته ختم شده است، آثاری که از نظر نمایشی جایگزین کم‌کاری فیلمسازان داخل شده و از دریچه سیاسی نیز در راستای قلب واقعیت و ماهیت ترور و خصوصاً تروریسم دولتی کشورهای کمربادور عمل می‌کنند. این موضوع را هفته آینده بی‌بی‌می‌گیریم.

تبعید در تبعید

برخورد رژیم شاه با محبوبیت آیت‌ا... خامنه‌ای در منطقه نیز بخشی از موضوعات مورد اشاره کتاب است. مخدومی در این باره گفت: ساواک در این موقعیت دو ترفند به کار می‌برد؛ یکی این است که خیلی ساده‌لوحانه فردی نفوذی را می‌فرستند خدمت تبعیدی‌ها از جمله آقا تا با زبان خود اینها بگویند که شما‌ها می‌توانید اعتراض بکنید به این تبعید و ممکن است اعتراض شما مورد موافقت واقع شود و تبعید را لغو کنند. آقا در اینجا پاسخ زیبایی دارند که می‌گویند نه اتفاقاً جای ما خیلی خوب است. اینها می‌بینند که با این ترفند نمی‌توانند این اتفاقی که دارد رقم می‌خورد در ایران‌شهر را خنثی کنند، به ناچار دست به «تبعید در تبعید» می‌زنند. البته در روز روشن نمی‌توانند این کار را بکنند. جلوی چشم مردم اقدام نمی‌کنند چون به شدت وحشت دارند. مخفیانه این حکم صادر می‌شود و نیمه‌شب می‌آیند محل اسکان حضرت آقا، ماشین آماده است تا دور از چشم مردم، ایشان را در تاریکی سوار کنند و تبعید شود به جیرفت. یعنی در واقع یک مبارزه ناهمگون، یک طرف صاحب مکتب و قدرت و ست و مقام و عده و غده و لشکر و اینها، یک طرف با دست خالی منتهی با آن توکلی که به خدا و اعتمادی که به مردم دارد. مخدومی درباره فرم ارائه محتوای کتاب، گفت: یک گونه ادبی نویی به کاررفته و آن سفرنامه‌ای است که در دل خودش تاریخ شفاهی و خاطره شفاهی را دارد روایت می‌کند. در واقع همه‌اش مستندنگاری است، منتها این مستندات در قالب سفرنامه محقق گنجانده شده.



کتاب

